

از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب ۱۳۵۷

اپوزیسیون و احزاب و سازمان ها و گروه های مخالف رژیم شاه

محمود نفیسی

# احزاب سیاسی ایران

تأکید شده بود.<sup>(۲)</sup>

گروه های عضو جبهه ملی سوم که در تاریخ هفتم مرداد ماه ۱۳۴۴ بطور رسمی اعلام موجودیت کردند عبارت بودند از حزب ملت ایران، حزب مردم ایران، جامعه سوسیالیست ها و نهضت آزادی، رهبری جبهه ملی سوم را سید باقر کاظمی، از نخبگان سیاسی قدیمی کشور، بر عهده گرفت. دو هفته پس از اعلام موجودیت جبهه، فروهر و خلیل ملکی، رهبران گروه های سوسیالیست و حزب ملت دستگیر شدند. پیش از آن هم رهبران نهضت آزادی زندانی شده بودند و بدین سان جبهه ملی سوم قبل از شروع و گسترش فعالیت ها از هم فرو پاشید.<sup>(۳)</sup>

در اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ کنگره ای با شرکت نمایندگان سازمان های اروپائی جبهه ملی ایران در پاریس تشکیل شد و طرح پیشنهادی جامعه سوسیالیست ها در زمینه تشکیل جبهه ملی سوم در اروپا به تصویب رسید و اعلامیه «اتحاد» در ۲۳ ژوئن ۱۹۶۵ (تیرماه ۱۳۴۴) انتشار یافت.<sup>(۴)</sup>

با همه کوششی که برای ایجاد اتحاد و همبستگی نیروهای ملی به عمل آمد تشکیل جبهه ملی سوم در اروپا، به علت اختلاف نظرها، خودخواهی ها و جاه طلبی ها، که از ویژگی های بیشتر رهبران و فعالان جوامع

احزاب و جمعیت های سیاسی و ... است که هر یک از آنها مرام خاصی برای خود داشته باشند و با جبهه ملی سوم فقط دارای یک مرام مشترک باشند که آن هم آزادی و استقلال ایران است. بنابراین هیچ فردی که در یک اجتماع عضویت نداشته باشد نمی تواند وارد جبهه ملی شود.<sup>(۱)</sup> یا آن گونه که شخصی دکتر مصدق که آن موقع در احمدآباد تحت نظر قرار داشت، تعریف می کند: «جبهه ملی اجتماعی است از احزاب و گروه هایی که تشکیلاتی دارند و مرام آنها آزادی و استقلال ایران است». پس از انتشار نامه های دکتر مصدق، برای تشکیل جبهه ملی سوم در اروپا و اخذ تصمیم در مورد ساختار تشکیلاتی آن، قرار شد سمیناری تشکیل شود و در این سمینار که در اسفند ماه ۱۳۴۳ تشکیل شد، جامعه سوسیالیست ها تنها سازمان سیاسی بود که نظریات خود را در گزارشی کتبی چهل صفحه ای مطرح کرد. در این گزارش با اشاره به فعالیت های گذشته احزاب و سازمان های سیاسی و نیز کوشش هایی که در جهت مبارزات ضد استعماری ملت ایران در دوران ملی شدن صنعت نفت و پس از آن به عمل آمده بود، به ضرورت وحدت و اتحاد سازمان های ملی برای ایجاد «جبهه ملی سوم، در اروپا و نیز ایالات متحده آمریکا

در گذشته درباره جبهه ملی دوم و علل شکست آن به تفصیل بحث و گفتگو کردیم. در جمع بندی و تحلیل علل ناتوانی و شکست جبهه ملی دوم و انحلال آن در سال ۱۳۴۳ باید به همان عوامل اشاره کرد که در مورد جبهه ملی اول نیز وجود داشت؛ مانند ساختار جبهه ای، ابهام در ایدئولوژی و بی توجهی به کادرسازی، خود محوری و تک روی احزاب و سران جبهه، نبود راهبرد و تاکتیک و نیز نبود تاکتیک های مناسب در بهره گیری از شرایط مساعد، ضعف دربار و شاه، عدم استفاده مؤثر از نیروی جوانان و بویژه دانشجویان و مهمتر از همه نادیده گرفتن عامل مذهب و بی توجهی به آن.

## جبهه ملی سوم، دهه ۱۳۴۰

جبهه ملی سوم را باید ادامه و دنباله طبیعی جبهه ملی دوم دانست، با این تفاوت که جناح اقلیت کنگره این بار در غیاب اکثریت محافظه کار رأساً به سازماندهی جبهه پرداخت. ایشان ضمن مکاتبات متعدد با دکتر مصدق در سال ۱۳۴۲ توانستند موافقت وی را با اساسنامه جبهه ملی سوم دریافت کنند. مهمترین نکته و نقطه تقابل جبهه ملی سوم با همتای قبلی خود در نحوه سازماندهی و ساختار جبهه بود که این بار تأکید شد: «جبهه ملی سوم مرکز تجمع

سیاسی در ایران است، پا نگرفت. در ایران نیز جبهه ملی به علت دستگیری همه رهبران در نطفه خفه شد و رهبران آن از جمله خلیل ملکی و اعضای کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست های نهضت ملی دستگیر و در دادگاه های نظامی محاکمه و محکوم شدند.<sup>(۵)</sup>

مسائل عمده تشکیلاتی و سیاسی که از او ان تدارک ایجاد جبهه ملی سوم گریبان رهبری جبهه را گرفته بود و بالأخره هم منجر به اشعاب آن، بویژه بعد از یورش رژیم در بهار ۱۳۴۴ شد، عبارت بود از: ۱- تاکتیک های مبارزاتی ۲- اصل تحزب. اختلافات بر روی تاکتیک های مبارزاتی علیه رژیم شاه حتی قبل از اعلام رسمی موجودیت جبهه باعث شد تا «نهضت آزادی ایران» به جبهه ملی سوم نپیوندد. رهبران نهضت آزادی معتقد بودند که نباید قبل از تعیین و تصویب تاکتیک مبارزه موجودیت جبهه ملی سوم اعلام گردد. بازرگان و طالبانی و طرفداران نهضت آزادی بر آن بودند که جبهه باید بطور عمده به یک مبارزه جدی منفی، بویژه در حیطه اقتصادی، دست زده و نافرمانی مدنی را به عنوان تاکتیک های مبارزاتی رواج دهد. وقتی که بعد از چندین ماه بحث و جدل مسأله نوع تاکتیک حل نشد و توافق عمومی بر سر آن کسب نگردید، نهضت آزادی به راه خود رفته و بطور مستقل به فعالیت پرداخت.

(۱) اختلافات بر سر تحزب و تشکیل «حزب بزرگ» از زمان جبهه ملی دوم، در سال های ۱۳۳۹-۱۳۴۲، دامنگیر رهبران و فعالین جبهه ملی شده بود و با اینکه این نظر یعنی تبدیل جبهه به یک «حزب واحد بزرگ» در اوایل خیلی طرفدار پیدا کرد ولی بسیاری از رهبران و فعالان با تغییر ماهیت جبهه به حزب واحد مخالف بودند. به هر جهت، وجود این اختلافات با یورش و سرکوب رژیم همراه شد و باعث شد که



خسرو قشقانی

رهبران اصلی جبهه ملی سوم بطور موقت هم که شده از فعالیت های سیاسی در داخل ایران پرهیز کنند. ولی برخی از طرفداران جبهه ملی که سال ها قبل از انحلال «جبهه ملی سوم» به خارج از ایران عزیمت نموده بودند به فعالیت های سیاسی خود بویژه در داخل کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آمریکا و اروپا، ادامه دادند.

خسرو قشقانی، یکی از سران ایل قشقانی و نماینده سابق مجلس هفدهم، یکی از این فعالین سیاسی بود که در آن زمان در خارج از کشور با انتشار «باختر امروز» (دوره دوم) فعالیت داشت. قشقانی همراه برادرش ناصر قشقانی از طرفداران دولت ملی مصدق در داخل ایل قشقانی بود و بعد از سرنگونی دولت مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به همراه عده ای از افراد مورد اطمینان خود تهران را ترک کرده و به میان ایل قشقانی در فارس برگشت تا خود را برای مبارزه مسلحانه علیه رژیم کودتا آماده سازد اما سازش بخش بزرگی از سران عشایر قشقانی با رژیم شاه از یک سو و متلاشی شدن اکثر سازمان ها و احزاب سیاسی ضد رژیم، از جمله کشف و

سرکوب سازمان افسران حزب توده ایران از سوی دیگر، امکان مقاومت و مبارزه در ایران را برای خسرو قشقانی از بین برد. و قشقانی بعد از چندی زندگی در خفا توانست از ایران بیرون رفته و در شهر مونیخ، در آلمان غربی، رحل اقامت گزیند. خسرو قشقانی بعد از چند سال سکونت در آلمان، با حمایت و همکاری تعدادی از دوستانش که دارای تمایلات چپ بودند به انتشار دوره دوم «باختر امروز» پرداخت. افرادی که در انتشار باختر امروز به قشقانی کمک می کردند و مطالب عمده «باختر امروز» را می نوشتند عبارت بودند از: محمد عاصمی، حسین اسکونی، مهدی خان باباتهرانی، محمود گودرزی و هاله حیدررقابی (سراینده شعر معروف مرا بیوس در سال ۱۳۳۳). این افراد به طیف های مختلف فکری تعلق داشتند ولی از آنجا که بطور عمده به چپ گرایش داشتند، خط «باختر امروز» نیز بیشتر بر روال گرایش های چپ بود. نشریه «باختر امروز» در عرض دو سال انتشار خود در آلمان محبوبیت یافت و خسرو قشقانی نیز موفق شد که تعدادی از نسخه های آن را مخفیانه به ایران بفرستند. نسخه های «باختر امروز» بعد از ارسال به ایران توسط افرادی سرشناس چون حسن شمشیری، حمید ذوالنور و آیت الله محمدهادی میلانی بطور مخفیانه بین طرفداران مبارزه علیه رژیم کودتا پخش می شد. روزنامه باختر امروز (دوره دوم) با اینکه یک نشریه ملی گرا و حامی دکتر مصدق بود ولی به خاطر گرایش چپ بعضی از نویسندگانش هیچ وقت مورد استقبال جبهه ای ها قرار نگرفت. طرفداران جبهه ملی که در سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۰ به تعدادشان در اروپا و آمریکا افزوده شده بود و داشتند در خارج به خود سر و سامانی می دادند، نمی خواستند که خودشان و بویژه رهبرانشان بر نشریه ای که به نام

جبهه ملی منتشر می شد نظارتی نداشته باشند.

همین امر منجر به آن شد که در کنگره جبهه ملی در شهر ویسبادن آلمان غربی، اکثر شرکت کنندگان بر ضد خسرو قشقانی موضع گرفته و انتشار روزنامه «باختر امروز» را از دست خسرو قشقانی و همکارانش بیرون آورند.<sup>(۷)</sup>

بعد از کنگره جبهه ملی در ویسبادن (آلمان غربی) در سال ۱۹۶۲ و جدائی خسرو قشقانی از جبهه، انتشار دوره سوم «باختر امروز» با مدیریت دکتر علی شایگان که از سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۷) میلادی به حالت تبعیدی در آمریکا زندگی می کرد، با همراهی تعدادی از طرفداران مصدق (سازمان جبهه ملی ایران در آمریکا) را بنا نهاد. این تشکل با انتشار «باختر امروز» بطور عمده در داخل «کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج» که در سال های ۱۳۴۳-۱۳۴۱ در حال شکل گیری و گسترش در سراسر جهان و بویژه در آمریکا و اروپا بود، به فعالیت پرداخت. بررسی نوشته های مندرج در شماره های مختلف «باختر امروز» (دوره سوم) در این زمان نشان می دهد که گردانندگان این نشریه و پلاتفورم سیاسی «جبهه ملی ایران در تبعید»، خواستار آزادی مصدق از حبس و تبعید و استقرار یک دولت دموکراتیک و سکولار و «غیر متعهد» در ایران بودند. به غیر از خود شایگان، دیگر افراد سرشناسی که در سال های ۱۳۴۵-۱۳۴۰ تحت نام جبهه ملی در آمریکا، در درون کنفدراسیون جهانی فعالیت داشتند عبارت بودند از سیف پور فاطمی و شاهین (علی) فاطمی. در ضمن در همین دوره صادق قطب زاده و محمد نخشب نیز در جلسات و فعالیت های این جبهه شرکت می کردند که بعد از یک سال از آن جدا شده و با انتشار روزنامه های «ایران آزاد»

و «خبرنامه» تحت نام «جبهه ملی سوم» در داخل کنفدراسیون جهانی به رقابت با «جبهه ملی آمریکا»، به فعالیت ضد رژیم خود ادامه دادند.

بعد از سرکوب وقایع سال ۱۳۴۲ توسط رژیم شاه و عزیمت دانشجویان طرفدار جبهه ملی از دانشگاه های ایران به کشورهای اروپائی، تعداد فعالان «جبهه ملی سوم» افزایش یافت. این دانشجویان با اینکه دیدگاه های سیاسی مختلفی داشتند ولی همگی در طرفداری از مصدق و مخالفت با رژیم همسو بودند.

بعضی از این دانشجویان مثل ابوالحسن بنی صدر و حسین حبیبی که دارای دیدگاه های ملی گرا و یا گرایش مذهبی بودند، بعد از دو سال فعالیت در کنفدراسیون از آن جدا شدند و به تنهایی و یا گروهی به فعالیت خود ادامه دادند. برخی هم مانند خسرو شاکری و حسن ماسالی که دارای بینش ملی گرایانه با گرایش چپ بودند، در کنفدراسیون مانده و بعدها به سازمان های چپ مارکسیستی که در درون کنفدراسیون فعالیت داشتند پیوستند. بعضی دیگر مانند صادق قطب زاده و محمد نخشب، با اینکه تا سال های ۱۳۴۶-۱۳۴۵ هنوز در کنفدراسیون جهانی مانده بودند ولی از همان اوایل با اعضای رهبری «نهضت آزادی ایران» که در این دوره در خارج از ایران با انتشار روزنامه «مجاهد»، به مدیریت سردبیری ابراهیم یزدی، در بین دانشجویان ایرانی فعالیت می کردند، همکاری کرده و در پشتیبانی از مبارزات علمای مذهبی-سیاسی علیه رژیم شاه با آنها همخوانی داشتند.<sup>(۸)</sup> یکی از فعالین درون «جبهه ملی سوم» که قاطعانه از همکاری نزدیک ملی گرایان با علما و روشنفکران مذهبی در این دوره دفاع می کرد، محمد نخشب، رهبر «حزب مردم ایران» در خارج از کشور بود. نخشب با

اینکه در سال های ۱۳۴۵-۱۳۴۲ از فعالین درون «جبهه ملی سوم» بود ولی در عین حال بطور تنگاتنگی با فعالین نهضت آزادی ایران در خارج (ابراهیم یزدی، مصطفی چمران و عباس امیر انتظام) همکاری می کرد. سابقه نخشب در فعالیت های سیاسی به سال های پایان جنگ جهانی دوم می رسد. او در سال ۱۳۲۳ به عنوان محصل دبیرستان به حزب ایران پیوست و سال ها بعد، در بحبوحه جریان ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹، در اوایل به ایجاد گروهی به اسم «خداپرستان سوسیالیست» پیوست و سپس نیز با کمک راضی، یکی از خداپرستان سوسیالیست درون حزب ایران، با تشکیل «حزب مردم ایران»، از حزب ایران، که یک سازمان لائیک بود، انشعاب کرد ولی همچنان تا به آخر به حمایت قاطع خود از حکومت مصدق ادامه داد.<sup>(۹)</sup> بعد از کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲، در سال ۱۳۳۳ نخشب به خاطر فعالیت های سیاسی در «نهضت مقاومت ملی» برای چند ماهی به زندان افتاد و بعد از آزادی از زندان هم به آمریکا عزیمت کرد و بعد از چندی نیز در نیویورک به استخدام سازمان ملل متحد در آمد. او در سال های ۱۳۴۵-۱۳۳۹ یکی از فعالین «جبهه ملی سوم» و «نهضت آزادی ایران» در آمریکا محسوب می شد.

یکی دیگر از فعالین «جبهه ملی سوم» در این برهه از تاریخ صادق قطب زاده بود که همکاری های نزدیک سیاسی-مذهبی ها و ملی گرایان لائیک را باور داشت. قطب زاده با اینکه از نظر تشکیلاتی و سازمانی به هیچ گروه و حزبی تعلق نداشت ولی در سال های ۱۳۴۵-۱۳۴۰ یکی از فعالین مهم درون کنفدراسیون جهانی و از حامیان «جبهه ملی در تبعید» و «جبهه ملی سوم» به شمار می رفت. او نیز مثل نخشب در عین حال که در درون جبهه ملی فعالیت

سیاست دوگانه ای به چشم می خورد. با نیروهای برانداز، که بطور عمده گرایش مذهبی یا مارکسیستی داشتند به شدت برخورد می شد و مجازات اعدام، حبس ابد، تبعید و شکنجه در مورد آنان اعمال می شد اما در برخورد با مخالفان غیر انقلابی شیوه دیگری در پیش گرفته شد؛ شاه به میانه روها امکان داد از خوان نعمت دلارهای نفتی بهره ببرند تا منافع آنان با پهلوی ها گره بخورد. برخی دیگر از آن ها نیز که فعالیت سیاسی را کنار نهاده بودند وارد فعالیت های آموزش عالی یا فعالیت های اقتصادی شدند. به عنوان نمونه می توان از این افراد نام برد: ۱ - مهندس جهانگیر حق شناس و دکتر شالچیان، فعال در مؤسسات شرکت ساختمان همایون ۲ - دکتر کریم سنجابی، مشاور حقوقی وزارت فرهنگ و استاد دانشگاه ۳ - دکتر

آیت الله خمینی، کشف بقایای حزب توده و گرفتن زهر چشم از ملی گرایان لیبرال، بطور عملی باب فعالیت های علنی و قاتونی را مسدود کرد و تنها احزابی فرمایشی و سلطنت طلب مانند حزب مردم، ایران نوین و پان ایرانیست ها فعالیتی صوری داشتند که آن ها هم با پیدایش حزب دولتی رستاخیز، در اواخر سال ۱۳۵۳، ناچار از پیوستن به آن شدند. تقویت ساواک و ارتش و برخورداری از حمایت کامل غرب در تحکیم اقتدار رژیم شاه نقش مؤثری داشت. همچنین افزایش درآمدهای نفتی و دریافت کمک های نظامی و مالی از غرب نیز موجب شد که حکومت پهلوی علاوه بر مهار ناراضی های عمومی، در برخورد با نخبگان سیاسی مخالف نیز قدرت مانور و چانه زنی بالایی داشته باشد. طی این سال ها در برخورد با مخالفان نیز

می کرد با اعضای رهبری نهضت آزادی در خارج از کشور رابطه ای تنگاتنگ داشت. قطب زاده بعد از انقلاب برای مدت کوتاهی وزیر امور خارجه ایران شد و بعد از ۲ سال و نیم به سبب بعضی ماجراهای سیاسی دستگیر و در سال ۱۳۶۲ اعدام شد.

به غیر از فعالین «جبهه ملی سوم» و «جبهه ملی در تبعید» در سال ۱۳۴۲، در فاصله سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۵ فعالین و طرفداران دوسازمان دیگر نیز از کنفدراسیون جهانی جدا شده و بطور مستقل به فعالیت ضد رژیمی خود ادامه دادند. این دو سازمان عبارت بودند از: «جامعه سوسیالیست ایرانی» و «نهضت آزادی ایران»<sup>(۱۰)</sup>

از سال ۱۳۴۴ اوضاع سیاسی ایران دچار تحولاتی شد که بر شیوه فعالیت گروه های سیاسی تأثیر بسیاری نهاد. رژیم شاه با سرکوب حرکت ۱۵ خرداد، تبعید

## کلیسای ایرانیان هوستون



دوستان عزیز ایرانی

عیسی مسیح می فرماید:

(ای تمامی زحمتکشان و گرانباران

زده من بیایند و من به شما آرامی خواهم داد)

بدینوسیله از شما دعوت میکنیم که برای آشنائی با

زندگی عیسی مسیح و مطالعه انجیل به زبان فارسی

در جلسات هفتگی کلیسای ایرانیان هوستون شرکت فرمایید.

**برای اطلاع از برنامه ها و دریافت رایگان انجیل مقدس به زبان فارسی با ما تماس حاصل نمایید.**

کلیسای ایرانیان هوستون

Westbury Baptist Church, Room D208  
10425 Hillcroft • Houston, TX 77096

**Tel: 281-992-2245**

جلسات یکشنبه ها ساعت ۱۱:۳۰ صبح

For free Farsi Bible and more information  
call the above number

[www.farsinet.com/icc/](http://www.farsinet.com/icc/)

## تسلیت

جناب آقای وحید بینا

با تأسف و اندوه در گذشت پدر گرامیتان  
را به شما و خانواده محترم و تمامی اقوام  
وابسته سوگوار، تسلیت می گوئیم.

از طرف خانواده اسکویی

مهرگان اسکویی

یادشان گرامی

با مهر فراوان

فریدون مهدوی، عضو شورای مرکزی جبهه ملی دوم، مشاور و وزیر دولت هویدا و عضو حزب رستاخیز ۴ - مهندس امیر پرویز، عضو شورای عالی حزب ایران، استاندار و وزیر کابینه هویدا ۵ - فریدون امیر ابراهیمی، عضو کمیته مرکزی حزب ایران، استاندار و معاون مؤسسات مالی هژبر یزدانی ( سرمایه دار) ۶ - دکتر مسعود حجازی، مشاور حقوقی بانک توسعه صنعتی ۷ - دکتر شاهپور بختیار، مدیر عامل شیشه قزوین و کارخانه فخر ایران وابسته به بنیاد پهلوی.

می توان گفت که طی سال های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶، در مخالفت با استبداد و استعمار نوین ایران و افزایش نفوذ بیگانگان در کشور، هیچ گونه فعالیت سیاسی تشکیلاتی و حتی انفرادی نیز از ملی گرایان مشاهده نمی شود. اینان تنها گاه گاهی در دوره ها و محافل خصوصی گرد هم می آمدند و به بحث های جاری می پرداختند. یکی از جامعه شناسان خارجی پس از شرکت در جلسات آنان چنین می نویسد: «پس از نختی تأمل، حضار مجلس به اتفاق تأکید می کنند فعالیت سیاسی و انتقاد تنها به برقراری یک دیکتاتوری نظامی منجر خواهد شد لذا بهتر است به همین وضعیت که داریم بسنده کنیم. شاه فوق العاده قدرتمند است و نمی توان او را در جهت اجرای طرح هایمان تحت فشار قرار داد، شاید بهتر باشد هفته بعد یکدیگر را ملاقات کنیم.» در ضمن رهبران جبهه ملی در پاسخ به درخواست های مکرر هواداران مبنی بر انجام حرکت یا تجدید سازمان جبهه، بطور دائم به نامساعد بودن شرایط اشاره کرده و امکان تغییر اوضاع را به آینده موکول می کردند تا آمریکا با چشم غره ای به شاه، امکان فعالیت و ایجاد فضای سیاسی در ایران را فراهم آورد. و بطور عملی نیز تا پیدایش چنین وضعیتی که با روی کار آمدن «کارتو» در کاخ سفید ایجاد شد، تنها

نظاره گر بودند و از سال ۱۳۵۶ دوباره فعال شدند. البته نباید فراموش کرد در طی این سال ها، جنبش دانشجویی در داخل و بویژه در خارج فعالیت هایی با عنوان جبهه ملی در خارج از کشور انجام می دادند. (۱۱)

### سرانجام جبهه ملی سوم

در بحبوحه رادیکالیزه شدن کنفدراسیون جهانی، افراد شاخص و مجرب رهبری جبهه بطور موقت هم که شده از فعالیت های علنی بویژه در درون کنفدراسیون دست برداشتند. بعد از کناره گیری افراد مجرب، تعدادی از فعالین جوان سازمان های «جبهه ملی» نه تنها از واحدهای کنفدراسیونی در اروپا و آمریکا کنار نکشیدند بلکه به موازات دیگر طیف های دانشجویی به بحث «ضرورت کار گروهی» روی آوردند. این امر موجب پیدایش حرکات جدیدی در بین طرفداران جوان جبهه ملی، که هنوز در داخل انجمن های دانشجویی درون کنفدراسیون تحت نام «طرفداران جبهه ملی» فعالیت داشتند گردید. در آغاز سال ۱۳۴۷، این افراد که به تدریج با مطالعه آثار ارنستو چه گوآرا و تکامل انقلاب کوبا از یک سو و مطالعه اندیشه های مائوتسه دون و رویدادهای پرتلاطم مرحله اول انقلاب فرهنگی در چین (۱۳۴۷-۱۳۴۵) از سوی دیگر گرایش های شدید چپ مارکسیستی پیدا کرده بودند به فعالیت گسترده ای در داخل دانشجویان متشکل در واحدهای کنفدراسیون پرداخته و به رقیب مهم طیف های دانشجویی طرفدار «سازمان انقلابی حزب توده ایران» و «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» که در این دوره ۱۳۴۸-۱۳۴۵- نقش غالب را در رهبری کنفدراسیون بازی می کردند تبدیل شد. در سال ۱۳۴۸ گروهی دیگر از جوانان جبهه ملی تحت تأثیر انقلاب کوبا و شکل گیری جنبش فلسطین، تحت

رهبری «خسرو پارسا»، «خسرو کلاتری» و «حسن ماسالی» عازم لبنان شده و در آن جا با انتشار «باختر امروز» دوره چهارم به فعالیت رادیکال مارکسیستی جدیدی روی آورد.

ادامه دارد

### پانویس:

- ۱- تارنمای آفتاب، «فراز و فرود جبهه ملی»، ص ۶ تا ۳۰ بهمن ۱۳۸۷، ۱۸ فوریه ۲۰۰۹
- ۲- تاریخ بیست و پنج سال ایران، غلامرضا نجفی، جلد دوم ص ۵۱۰
- ۳- همان تارنمای آفتاب، ص ۶
- ۴- خلاصه متن پیشنهادی جامعه سوسیالیست ها، در سمینار هیأت سازمان های اروپائی جبهه ملی و متن اعلامیه کنگره فوق العاده مبنی بر لزوم اتحاد تشکیلاتی کلید نیروهای ملی و ضد استعماری ایران، در اختیار زنده یاد غلامرضا نجفی - مؤلف تاریخ بیست و پنج ساله - بوده است، ابوالحسن بنی صدر، حسن حبیبی و صادق قطب زاده از طرف هیأت اجرایی کل سازمان های اروپائی جبهه ملی و امیر پیشداد از طرف کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست های ایرانی در اروپا ذیل اعلامیه را امضاء کرده اند.
- ۵- همان تاریخ بیست و پنج ساله، جلد دوم، ص ۵۱۱
- ۶- برای آگاهی های بیشتر در این باره رجوع کنید به: جبهه ملی (قطعه نامه، تهران، ۱۳۴۲، ص ۳-۱ - جبهه ملی (اعلام خطر)، تهران، ۱۳۴۲، ص ۳-۱ - نهضت آزادی و جبهه ملی ایران، در نشریه «نهضت آزادی ایران»، ۲۱ خرداد ۱۳۴۰
- (درس های ۱۳۴۲)، در نشریه «خبرنامه» تیر ۱۳۴۸، ص ۲-۱
- (م) نوشته «حزب توده و جبهه ملی» در نشریه «ماهان مردم»، شهریور ۱۳۴۴، ص ۵-۱
- ۷- درباره فعالیت های خسرو قشقانی در سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۱ رجوع کنید به حمید شوکت «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» سرا، پروکن، ۱۳۷۸ ص ۳۳-۱۹
- ۸- برای جزئیات رجوع کنید به «اهداف نهضت آزادی» در نشریه مجاهد، شماره ۵، «تشکیل نهضت آزادی» در روزنامه «اطلاعات»، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸
- ۹- تاریخ صد ساله احزاب و سازمان های سیاسی ایران؛ ص ۵۴۳-۵۴۵
- ۱۰- همان؛ ص ۵۴۵